



اؤز لوك

دونيادا لاپ بؤيوك

قوهه ايشيق دير.

سهند (بولود قاراچورلو)

نشریه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی دانشجویان دانشگاه تبریز، سال دوم، شماره دهم، قیمت ۵۰ تومان - فروردین ۸۴

سرمقاله

یکی از ابعاد و عواقب کم بررسی شده شوونیسیم پهلوی در ایران پدیده «استحاله قومی تدریجی به وقوع پیوسته در حاکمیت و بافت ملی مردم ایران» است که از سالهای نخستین سده بیست آغاز و تا به امروز ادامه پیدا کرده است.

سیاست نژادپرستانه رژیم پهلوی با مسئله ملی در ایران عبارت بود از فارس سازی تمام ملل غیر فارس و در رأس آنها تورک های ایران.

جریان فارسی سازی اسامی جغرافیایی - تاریخی مناطق غیر فارس زبان و در رأس آنها مناطق آذربایجان، یکی از ملزومات این کلان پروژه (سیاست یکسان سازی و فارس گردانی ملل ایرانی) ارائه شده توسط شوونیسیم پهلوی بود و متأسفانه هنوز هم ادامه دارد که تا حدود زیادی موفق نیز بوده اند. پسمانده شوونیسیم های پهلوی، دشمنی با فرهنگ های بومی ایران را در دستور کار خود قرار داده اند و این دشمنی را در لوای برخی از نهاد ها و سازمان های فرهنگی پنهان می کنند.

به طوری که اخیراً اداره آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی، با صدور بخشنامه ای به مدارس، اسامی ترکی جزایر دریاچه ارومیه را به نام های فارسی تغییر داده است. این اداره با صدور بخشنامه ای از مدیران و دبیران مدارس این استان خواست تا از این پس از اسامی جدید به جای نام های قدیم ترکی جزایر دریاچه ارومیه استفاده کنند. غافل از این که!! (با علم بر این که) اسامی جغرافیایی شامل نام کوه ها، جنگل ها، رود ها، دشت ها، جزایر و ... و همچنین اماکن زیستی انسان مانند شهر و روستا و ... ریشه در تاریخ و فرهنگ ملت ها دارد. و به عنوان یک میراث ارزنده فرهنگی با پشتوانه های چندین صدساله بوده و از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود و هویت و شناسنامه آن مردم می باشند و این اسامی اهمیت زیادی در پژوهش های مربوط به مسائل اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی و گاه سیاسی دارند و تغییر این اسامی از طرف گروهی به دلایل سیاسی می تواند بین ملت هایی که سال های مدید در کنار هم زیسته اند تنش آفرین باشد. مثال بارز این مورد در ماه های اخیر بحث تغییر نام خلیج فارس به خلیج عربی بود که با واکنش های شدید و بحق مقامات و محافل رسمی ایران مواجه شد.

کوتاه سخن این که در کشور ما ایران مونیسیم ملی، فرهنگی، انتیکی وجود ندارد. ناگزیر کوشش در راه ایجاد آن از طریق دگرگون ساختن نام های جغرافیایی - تاریخی به منظور گسستن پیوند ملل غیر فارس با تاریخشان و بی ریشه و بی هویت نمودن آنها، در آینده جایگاهی در ایران مدنی و بردبار نخواهد داشت. ادراک این موقعیت از سوی روشنفکران و مسئولین کشور وظیفه ای تاریخی و ضروری برای ابقاء جامعه ایرانی است.

تغییر نامهای

جزایر دریاچه اورمیه

ادامه اقدامات نژاد پرستانه علیه فرهنگ و

هویت آذربایجان

برخورد دیکتاتوری با تنوع زبان و فرهنگ در ایران به صورت فارس سازی تمام گروه های غیر فارس و در رأس آنها ترک های ایران شکل گرفته است. رژیم پهلوی که در اجرای این وظیفه محوله از حمایت بی قید و شرط و همه جانبه انگلیس و پس از جنگ جهانی دوم ایالات متحده آمریکا و اسرائیل برخوردار بود با دست باز مرحله دوم کلان پروژه را با پایان دادن به سیستم طبیعی وستنی نیمه فدرال کشور (ممالک محروسه ایران) و اعمال ممنوعیت بر زبانهای ملل ایرانی (اساساً توریکی) بدعتی که بیش از آن هرگز در تاریخ ایران سابقه نداشته است آغاز نمود. در ادامه گامهایی مانند حمایت یکجانبه و بی حد و حصر دولتی از زبان و فرهنگ فارسی و پس از آن جریانات فارس سازی اسامی جغرافیایی - تاریخی و محروم سازی زبان فارسی از کلمات توریکی و عربی با قصد سرهم بندی کردن زبان قاصدی به اسم فارسی سره پی در پی به وقوع می پیوست. با این اقدامات بکر اکنون مشکل نام ها و زبانهای متنوع شهروندان درجه دو و غیره و معضلی نو به نام مساله ملی نیز به مشکلات عدیده ایران افزوده گشت. در سال ۱۹۳۰ زبان فارسی تنها زبان رسمی کشور اعلام شد. این تدبیر در کشوری که به لحاظ عددی از بزرگترین گروه ملی آن را توریکی تشکیل می دادند و به ناچار زبان اکثریت نسبی اهالی آن توریکی بود، بسیار شگفت انگیز و بی آینده مینمود. در سال ۱۹۳۴ رضا خان بعد از بازگشت از سفر توریکیه با الهام از تدابیری که در آنجا بر علیه زبانهای غیر توریکی کشور انجام میگرفت، همه مدارس تورک زبان کشور از جمله در آذربایجان و خراسان و تاتر آذربایجان که یکی از قدیمیترین تئاترهای شرق اسلامی بود و نمایش هایی به زبان توریکی به صحنه می آورد را تعطیل مینمود.

جریان تغییر و فارسی سازی اسامی جغرافیایی - تاریخی در ایران از هنگامی که رضاخان وزیر جنگ بود، آغاز شده بود. در سالهای آغازین حکومت وی تغییر اسامی غیر فارسی به طور نامنتظم، خود سرانه، بدون کنترل، کند و اغلب اوقات توسط نظامیان انجام میگرفت. برای سروسامان دادن بیشتر باین امر و سرعت بخشیدن به آن، سراسری نمودن و هدایت آن از سوی مرکزی واحد (فرهنگستان ایران) تأسیس گشت. در تشکیل این نهاد، فراماسون معروف، مغز متفکر دیکتاتوری پهلوی (محمد علی فروغی) نقشی اساسی ایجاد نموده است. وی از پایه گذاران دکترین پان ایرانیسم و از طراحان سیاست رسمی دولت دایر بر «انکار و امحاء ملل غیر فارس کشور» است. با پیشنهاد فروغی (کمیسون جغرافیا) وابسته به فرهنگستان ایجاد شد. وظیفه این کمیسون (تبدیل اسامی بیگانه اماکن ایرانی به فارسی) اعلام گردید. در اینجا مراد از (بیگانه) در درجه نخست واژگان توریکی و در درجه دوم عربی است. شایان دقت است که ریاست این نهاد به اصطلاح بیگانه ستیز (۱۹۳۵ - ۱۹۳۸) بر عهده کسانی مانند وثوق الدوله، عاقد قرارداد ۱۹۱۹ و فروغی ماسون انگلیسی گذارده شده بود. در ترمینولوژی فرهنگستان و دیگر نهادها و مقامات پهلوی تمام زبانهای ملل کشور و در رأس آنها توریکی و عربی «بیگانه»، «خارجی»، «غیر ایرانی»، و «اجنبی» شمرده شده است. بنا بر این این ذهنیت نه تنها اسامی توریکی و عربی می بایست تغییر داده شود، بلکه صرف شباهت به توریکی و عربی برای به اصطلاح پاکسازی آن کافی بوده است. به عنوان مثال در اسناد، مدارک و مکاتبات دولتی وقت به موارد زیر و مشابه بسیار برخورد می شود: «...انتخاب لغات فارسی به جای لغات اجنبی از وظایف فرهنگستان است... و... به ارسال فهرست اسامی بیگانه اکتفا شود... (ریاست وزرا)...»

فارس سازی شامل تمامی نامهای تورکی (و عربی) شهر، ده، رودخانه، کوه، بخش، خیابان و حتی طوائف شده است. در یکی از اسناد کمیسیون گفته می شود: «اگر در این اسامی جغرافیایی کلماتی مانند چای، سو، بولاغ، و نامهای مشابه آن باشند. این اسامی بیگانه مشخص و به فارسی تغییر داده شوند... برای دیگر مناطق کشور که دارای نامهای نامناسب و غیر فارسی اند، فرهنگستان نامهای مناسب پیدا کند». همانگونه که دیده می شود با ایجاد تناظر بین غیرفارسی، بیگانه و کلمات تورکی، آشکارا و عملاً زبان ۶۵٪ از جمعیت کشور که غیر فارسی است و در درجه اول زبان تورکی نامناسب و بیگانه انگاشته شده است. جای تعجب نیست که از نخستین اقدامات این کمیسیون تعویض بسیاری از نامهای تورکی در سراسر کشور و در آذربایجان و نیز برخی نامهای عربی بوده است. مانند: ساووج بولاغ (مهاباد) آجی چای (تلخه رود) قیزیل اوزن (سفید رود)، جیغاتی چای (زرنه رود)، تانائوچای (سیمنه رود). وضعیت نامهای عربی چندان متفاوت نبود. پس از آنکه نام نیاخاک اعراب ایران از عربستان به خوزستان تغییر داده شد، بدون توجه به موجودیت و فرهنگ ساکنین اصلی منطقه، مردم عرب، نامهای شهرها، رودها، دشتها و روستاها و حتی کوچه ها و محله ها تغییر داده شد. مانند: محمره (خرمشهر)، ناصری (اهواز) می توان گفت که در عمل کمیسیون جغرافیا در تمام مکاتبات و مصوبه های خود منحصر بر اسامی تورکی متمرکز شده و خواهان تغییر آنها به اسامی فارسی نه تنها در آذربایجان و دیگر مناطق تورک نشین بلکه در تمام سطح کشور گردیده است. در سالهای ۱۹۲۷ وزارت جنگ تغییر اسامی نامهای ارمنی در ناحیه ماکوی آذربایجان را به هیئت وزراء پیشنهاد کرده بود. با اینهمه عمده نامهایی که تغییر آنها مورد بررسی قرار گرفت نامهای تورکی مانند: قلعه (قالا) جیک (عزیز آباد)، باخچاجیق (سردار آباد)، قارا خاچ (علی آباد)، قارا کیلیسه (امان آباد) بوده اند. نمونه دیگر در سال ۱۹۳۷ مصوبه ای جهت تعویض نامهای کردی اماکن در استان کردستان پذیرفته شده، اما از ۴۴ اسم تغییر یافته اکثریت آنها نه کلمات کردی، بلکه همه از نامهای تورکی این منطقه بوده است.

تغییر اسامی جغرافیایی در سالهای اخیر

با وقوع انقلاب آزادی طلب و عدالت خواه بهمن و با حذف رژیم پهلوی ضربه ای اساسی بر یکی از پایه های کلان طرح انگلیسی انکار و امحاء گروههای ملی ایران وارد آمد. با اینهمه پس از تثبیت حکومت اسلامی، از سوی هیچ یک از دو جناح محافظه کار و اصلاح طلب، هرگز چالش و گفتگویی شفاف و همگانی بر سر سیاست رژیم پهلوی در مورد گروههای ملی غیرفارسی کشور با نگرته و هیچگونه تغییر بنیادی و بازنگری در این سیاست مشاهده نشده است. بالطبع اجرای پروژه تغییر نامهای جغرافیایی تاریخی از تورکی به فارسی نیز کمابیش در دو دهه اخیر ادامه داشته است. شایان دقت است که نگرش و سیاست موجود جمهوری اسلامی در باره گروههای ملی کشور و در این میان سیاست مورد بحث نامهای ممنوع ملی، ظاهر بیش از همخوانی با پایه های تئوریک اسلامی مشهور در این موارد، یکسانی و همخوانی بسیار بیشتری با سیاستهای ملی گرای افراطی بکار گرفته شده در کشورهای همسایه، تورکیه لائیک که خود آنرا پان تورکیست مینامند و دولت متعصب عربی بعثی عراق دارد. در سالهای جمهوری اسلامی گرچه برخی از نوفارس سازیهای رژیم پهلوی جای خود را به اعاده نامهای اصیل داده اند، با اینهمه بنظر میرسد که انگیزه موجود در تمام این بازگردانیها نه اعاده هویت تاریخی - ملی اماکن فوق الذکر و احترام به گروههای ملی کشور، بلکه پاکسازی نامهای مربوط به سران رژیم پهلوی بوده است. مانند اعاده نام «اورمی» به جای «رضائیه»، «سلماس» به جای «شاهپور» و «بندر انزلی» به جای «بندر پهلوی». از فارس سازیهای رایج شده در دوره اخیر: یام (پیام)، آلاسه و ورتدی کورپوسو (سی و سه پل)، گوی مسجد (مسجد کبود)، سوینود (سه گنبد)، قارا آعاج (قدس)، گوجو وار (کجا آباد)، سام بودان (سنگ بران)، گوموش تپه (دمشقیه)، گوی تپه (تپه گوی)، صوفو چای (صوفی رود)، آق قالا (سپید دژ)، قاراوول داغی (شیرکوه)، بیژن گرد، کیوی (کوثر) و غیره.

فهرست این گونه لغات خارجی (در استان فارس) تهیه شده و حاضر است... و دهاتی که به اسامی (غیر ایرانی) اشخاص نام گذاری شده... اسامی آنها تبدیل به کلمات فارسی شود. (والی فارس). برخی نامها دیده می شود که هیچ شباهتی به اسامی تورکی و عربی ندارند و تغییر دادن چندان لزومی ندارند. (کمیسیون). (لفظ و اسم تورکی بین آنها (اسامی آبادیها و روستاهای شاهرود) به نظر نمی رسد). در گزارش یکی از مقامات عدلیه آبادان چنین آمده است: (اسامی کلیه قراء و قصبات آنجا به عربی است و اوضاع و احوال سرحدی تغیر اسامی را با فارسی ایجاب می کند) و یا (پس از گردآوری اسامی... قصبات مجاور سرحدات غربی و خاصه خوزستان به تشکیل کمیسیون به اسامی مناسب فارسی تبدیل نمایند). (ریاست وزراء).

با بررسی اسناد و مدارک موجود به آسانی میتوان دریافت که تغییر اسامی تاریخی و جغرافیایی به فارسی و کاستن پیوسته و فزاینده از دامنه کاربرد، حضور و برد زبان تورکی و دیگر زبانهای ملل ایرانی، بخشی از کلان طرح بسیار گسترده زدودن حافظه ملل غیر فارس ایران، گسستن پیوندهای تاریخی این ملل با نیاکانشان، نابودی علائق فرهنگی و میراث مشترک ملل ایرانی با همزبانان و همتباران خویش در آن سوی مرزها، بی هویت سازی این گروهها و در یک کلام بخشی از سیاست یکسان سازی و تغییر نمای اتیک کشور به نفع ملت فارس بوده است.

تغییر اسامی بومی مناطق

یکی از نخستین و اساسی ترین اهداف تغییر نامهای تاریخی و جغرافیایی (تعویض نام بومی مناطق) در کشور بوده است.

۱- عربستان (خوزستان): از قرون ۱۴-۱۵ میلادی در زمان دولت های تورک قارا قویونلو و آغ قویونلو به مناطق عرب نشین جنوب غربی ایران، (عربستان) و به نواحی غیر عرب نشین نواحی مجاور شمالی آن خوزستان گفته شده است. خوز (خوزایه، خوجه، خوجا و غیره) نام های عیلامی غیر آریایی و یا بومی مربوط به آنها در زبانهای ایرانی میانه و سریانی است. در تمامی تحریرات و مکاتبات رسمی دوره صفویه، افشار، زند و قاجار و در زبان مردم بدین ناحیه همیشه (عربستان) گفته شده است. محمود افشار از تئورسین های به شدت ضد تورک و ضد عرب در سال ۱۹۲۵ ریشه کن کردن زبان عربی در منطقه مذکور، تغییر تقسیمات کشوری، تغییر مرزها و نام عربستان و کوچانیدن عشایر و اهالی عرب منطقه و دیگر نواحی ایران را پیشنهاد می کند. رضاخان نیز که با همه این خواستها موافق بود، در نخستین اقدام نام منطقه را به خوزستان تغییر داده و کلمه (عربستان) را به یک باره از ادبیات سیاسی و زبان اداری کشور منسوخ ساخت.

۲- آذربایجان (؟): محمود افشار در سال ۱۹۲۶ خواستار اجرای چند سیاست در آذربایجان برای یکسانسازی قومی می شود: **زبان تورکی ممنوع اعلام میشود**، **بخشی از تورک زبانان به دیگر نواحی کشور انتقال داده شوند**، **مرزهای آذربایجان تغییر داده شوند**، **نام آذربایجان با نام دیگری عوض شود**. دیکتاتوری پهلوی و عوامل طرفدار آن که اینک در بعضی دستگاہها نفوذ دارند، با دقت تمام به چهارچوب ترسیم شده فوق صادق مانده اند. از آن روز تاکنون بخشی از ایالت اعظم آذربایجان به واحدهای اداری موجود و یا نوساخته دیگر (به استانهای امروزی گیلان، همدان، مرکزی، تهران، قزوین، زنجان، قم، کردستان و کرمانشاهان) با حذف نام آذربایجان الحاق شده اند. آخرین نمونه از تقسیم توأم با حذف نام آذربایجان تشکیل استان جدید «اردبیل» است.

۳- کردستان: در نوشته ای ادعا می گردد که نام کردستان (اردلان) است. به دنبال این مکاتبات کمیسیون جغرافیا نام کردستان را به اردلان و نام سندج را به سنه تغییر داد. اما بعدها با متوجه شدن به پتانسیل کاربرد مساله کرد در کشمکش های سیاسی با کشورهای همسایه تورکیه و عراق و همچنین بی رغبتی اهالی بومی به نامهای جدید، این نامگذاری تثبیت نشده است. پس از تشکیل کمیسیون جغرافیا سیاست

بازتاب در عرصه سیاست خارجی

ارجاع شده است رد میگردند. در سال ۱۹۸۹ فعالیت متوقف شده فرهنگستان پس از انقلاب، با نام «فرهنگستان زبان و ادب فارسی» به ریاست آقای رفسنجانی دوباره از سر گرفته شده است. در سال ۱۹۹۵ با تصویب قانونی استفاده از کلمات و عبارات «خارجی» در نامگذاری محصولات کشاورزی و صنعتی، در مکاتبات و سخنرانیها ممنوع اعلام گردید. یاد آور می شود که فرهنگستان، کلمات غیرفارسی و در راس آنها تورکی را خارجی، اجنبی و «بیگانه» می شمارد.

عقل سلیم - مدارای فرهنگی

دولت ایران بنا به عرف دولتمداری، قوانین داخلی کشور، قوانین، قراردادهای و تعهدات بین المللی موظف به شناسایی، حفظ، گسترش و تضمین هویت، زبان و فرهنگ گروههای ملی کشور است. وظیفه ای که حکومتهاى مختلف تاکنون به عذرهای گوناگون (تمامیت ارضی، وحدت ملی، استقلال سیاسی و غیره) و بطور بنیادین در بجا آوردن آن کوتاهی های بسیار نموده اند. طبق بند ۱۴ ماده ۳ قانون اساسی فعلی، از وظائف دولت «...تامین حقوق همه جانبه افراد و...تساوی عموم در برابر قانون» شمرده شده

است. اصل ۹ هم نیز جداگانه تصریح می کند که «هیچ مقامی حق ندارد بنام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادیهای مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند». به اینها اصل ۱۹ را نیز باید افزود، آنجا که می گوید: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند، از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود». بخشی از قراردادهای بین المللی در رابطه با کاربرد زبانهای ملی در نامگذاریها عبارتند از:

بیابیه در مورد حقوق اشخاص منسوب به اقلیتهای ملی، قومی، دینی و زبانی. مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد. ۲۰ سپتامبر ۱۹۹۳. ۴۷-۱۳۵ (ماده ۲، بندهای ۱ و ۳، بندهای ۳ و ۴، ماده ۸، بند ۱).

- قرارداد حقوق کودکان. مصوب مجمع عمومی. ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹. (مواد ۷، ۸، ۲۰، ۳۰).

- کنوانسیون حقوق مردم و عشایر بومی در کشورهای مستقل. مصوب سازمان جهانی کار. (۱۶۹)، ۵ سپتامبر، ۱۹۹۱. (بخش ۱، مقوله اول، بند ۲، بخش ۶، مقوله ۲۸، بندهای ۱، ۲، ۳، ۴).

آنچه از مطالعه این قراردادها در رابطه مستقیم و یا غیرمستقیم با «حق کاربرد زبانهای ملی در نامگذاریها» بدست می آید، بطور خلاصه عبارت از اینست که: دولتها میبایست به تنوع قومی و فرهنگی شهروندان خویش توجه کافی کرده، حق گروههای مزبور را در گسترش فرهنگی هویت و زبانشان، حق استعمال و توسعه زبانشان، حق انتخاب آزادانه اسم را به رسمیت شناسند و عدم دخالت غیرقانونی دولت در این موارد را تضمین نمایند. دولتها میبایست تدابیری جهت تسهیل امر دستیابی گروههای مزبور به اطلاعات در مورد فرهنگ، زبان و تاریخ خویش اتخاذ نمایند. دولتها میبایست توجه کافی به رفع احتیاج کودکان منسوب به گروههای ملی در وسائل ارتباط جمعی نموده، به حفظ پیوستگی هویت زبانی و انتنیک کودک اهتمام ورزند. هیچ دولتی نمی تواند گروههای مزبور را از حق استفاده از فرهنگ ملی و یا کاربرد زبان خویش محروم سازد. هیچ عذری مانند تمامیت ارضی و استقلال سیاسی مانع از اجرای تعهدات فوق نمیشود. جامعه اروپا نیز در باره مسئله اسامی و گروههای زبانی - ملی مصوبه صریحتری به قرار زیر دارد:

در تغییر نامهای تاریخی جغرافیایی توسط مقامات در دوره پس از انقلاب به جز یکسان سازی و فارس گردانی تورکها و دیگر گروههای ملی ایران، عامل سیاست خارجی نیز موثر بوده است. یک نمونه از تغییر نامهای تاریخی جغرافیایی با ملاحظه برخی مصالح مفروض در عرصه سیاست خارجی، آغاز به کاربرد روز افزون نام «دریای مازندران» به جای «دریای خزر» از سوی مقامات رسمی کشور است. خزر نامی تورکی است. به همین سبب در دوره پهلوی برخی از ملی گرایان افراطی فارس از ایده نامیدن دریای خزر به نام «مازندران» که در اصل و بیشتر به ناحیه «طبرستان» داده شده بود استقبال کرده اند. در روزهای اخیر مقامات جمهوری اسلامی و نیز بسیاری از ملی گرایان افراطی فارس سعی گسترده ای در رایج ساختن نونام «دریاچه مازندران» به جای «دریای خزر» از خود نشان داده اند. موضوع مباحثه و کشمکش ساختن نونام مازندران با سران جمهوری آذربایجان نمونه دیگری از سرایت پدیده تغییر نامهای تاریخی جغرافیایی به صحنه سیاست خارجی است.

ممنوعیت نامهای کودکان و اشخاص

در دوره پهلوی محدودیتهایی در مورد کاربرد زبانهای ملی و در راس آنها زبان تورکی در نامگذاری اشخاص اعمال می شد. حتی اقداماتی برای تغییر نامهای عشایر تورک و عرب انجام گرفته بود. در یکی از اصولی که کمیسیون جغرافیایی فرهنگستان قبول نموده بود، بیان میشود که «از آنجائیکه

امروزه در شهرنشینی قبایل سعی میشود، نامهای تورکی یا عربی طوائف و عشایر ایران با تبدیل نام آنها به اسامی مکان به فارسی تبدیل گردد. چند گروه اجتماعی در مقابل ریشه کن شدن نامهای تورکی مقاومت نسبی نموده اند. اینها شامل گروههای متعلق به آریستوکراسی ایران که پس از قریب به هزار سال حاکمیت خاندانها و قشونهای تورک در ایران، اکثریت مطلقشان تورکی تبارند، طوائف تورکی خاستگاه این گروهها، نیز گروههای عشایری و روستایی تورکی که از گزند سیاست و آثار یکسان سازی قومی نسبتا بدور بوده اند و دارای اسامی با پسوندهای تورکی نسبت «چی»، «لو»، «محل طائفه، مسلک»، «و خان»، «بیگ» - «بگ» - «بی»، «اوغلی»، «آقا»، «قلی»، «باشی»، «جه - جا»، «جوق - جتی»، «لار - لر»، «وئردی - وردی»، «و پیشوندهای «آق»، «قره - قارا»، و غیره میباشند، هستند. بدین گروهها علوی های تورک (علی الهی ها - قزلباشها - اهل حق) که زبان مقدس مراسم مذهبی شان تورکی است را نیز میباید افزود.

اسامی اماکن نوساخته، محل کار و محصولات تولیدی

پس از تاسیس جمهوری اسلامی ایران همه نامهای انتخاب شده برای صدها و هزاران خیابان، کوچه، سد، پارک، مسکن، مدرسه نوساخته نه به زبانهای ملی بلکه به زبان فارسی است. به عنوان مثال در آذربایجان یعنی سرزمینی به وسعت انگلستان، تمام صدها نام جدیدی که از سوی دولت انتخاب شده است، نه به زبان آن ملت بلکه به زبان ملت فارس است. در عرصه کاربرد زبانهای ملی در نامیدن محل کار خصوصی نیز محدودیتهای جدی ای اعمال میشود. معمولاً اینگونه اسامی به عنوان مثال اگر نام شرکتی دارای کلمه تورکی بوده باشد، از سوی وزارت کشور در تهران در مرجعی که پرونده برای تصمیم گیری نهایی بدانجا

تکذیبیه آموزش و پرورش

پس از واکنش‌های گسترده رسانه‌های محلی و روزنامه‌نگاران و فعالان فرهنگی آذربایجان به بخشنامه جدید آموزش و پرورش آذربایجان غربی، این اداره کل با ارسال نامه‌ای به «بازتاب»، اظهار کرد که در پی تغییر اسامی ترکی دریاچه ارومیه به نام‌های فارسی نبوده است.

در نامه آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی آمده است:

«۱- نامه این سازمان به شماره ۸۳/۳۱/۱۰۲۲ مورخ ۸۳/۱۲/۲۴ جهت ارائه اطلاعات و دانش‌افزایی دبیران؟! و دانش‌آموزان ارسال گردیده و این امر، جزو وظایف گروه‌های آموزشی این سازمان می‌باشد.

۲- نامه سازمان، حاکی از اسامی جزایر و نام قدیم آنها به همراه مساحتشان، جهت ارائه اطلاعات بیشتر به دانش‌آموزان در درس جغرافیای استان بوده و در این خصوص، از منابع سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و سازمان محیط زیست استان، استفاده گردیده است.

۳- در نامه ارسالی، هیچ‌گونه ابلاغی مبنی بر تغییر نام یا به کاربردن اسامی فارسی یا ترکی جزایر یادشده، صادر نگردیده است.

اصولاً استفاده از اسامی قدیمی اماکن جغرافیایی و تاریخی و ... در عرف اجتماعی مردم منطقه در حال و گذشته، مشاهده شده و قابل احترام می‌باشد.

این در حالی است که در بخشنامه این اداره کل - که تصویر بخشی از آن در زیر دیده می‌شود - از اسامی ترکی جزایر که هم‌اکنون در نقشه‌ها موجود است و توسط مردم نیز به کار برده می‌شود، با عنوان «نام قدیم» یاد شده و اسامی دیگری هم در کنار آنها نوشته شده است.

(این اسامی در جدول صفحه ۶

آورده شده‌اند)



نشریه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نوید آذربایجان با تیتراژ (حراج تاریخ آذربایجان!) نوشت: معاون سازمان آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی طی نامه‌ای به شماره ۸۳/۳۱/۱۰۲۲ مورخه ۸۳/۱۲/۲۴ به کلیه مدارس متوسطه استان «به پیوست دو برگ اسم جزایر دریاچه ارومیه که توسط گروه جغرافیای استان تهیه شده جهت استفاده دبیران جغرافیا و دانش‌آموزان»، از دبیران متوسطه خواست تا از این به بعد اسامی تغییر یافته جزایر دریاچه ارومیه را مورد استفاده قرار دهند. به موجب این گزارش گروه جغرافیایی سازمان آموزش و پرورش آذربایجان غربی اسامی ۵۳ جزیره از ۱۰۳ جزیره دریاچه ارومیه را که همگی ریشه تورکی داشته‌اند را تغییر داده و نامهای غیر تورکی و غالباً فارسی برای آنان تعیین کرده است. این نشریه با درج واکنش‌های به حق از طرف عباسپور نماینده مردم ارومیه در مجلس شورای اسلامی و عیسی نظری حقوقدان و عضو شورای نویسندگان نوید آذربایجان افزود:

محمد عباسپور نماینده مردم ارومیه در این زمینه گفت: تغییر نام جزایر دریاچه ارومیه از سوی یک ستاد در این سازمان، خلاف قانون تقسیمات کشوری می‌باشد و این امر از نظر قانون و ثبت احوال پیگرد قانونی دارد. وی افزود نمی‌شود یک گروه یا ستاد محلی، نام یک منطقه را که در وزارت کشور و سازمان ثبت اسناد و املاک دارای شناسنامه هویتی میباشد را به این سادگی تغییر دهند.

عیسی نظری در این باره گفت: تغییر نام اماکن، متأسفانه نشان از شوونیست‌هایی است که در نهادهای مختلف فرهنگی رخنه و نفوذ کرده‌اند. وی افزود اینگونه دشمنی با فرهنگ بومی بخصوص با فرهنگ آذربایجانی سابقه‌ای تاریخی دارد. وجود داشناک‌های ارمنی در مناطق اشغالی آذربایجان توسط ارمنستان و یا ضدیت کشورهای استعمارگر اروپایی به هر قابل توجیه است، ولی این عمل در کشور اسلامی قابل تحمل و توجیه پذیر نیست. عضو شورای نویسندگان نوید آذربایجان گفت: تاریخ اعلام این گزارش در شرایط بحرانی محل بحث است. مرکز جغرافیایی موجود در آمریکا سعی در تغییر نام خلیج فارس دارد و نوچه‌های محلی شوونیست‌های پهلوی سابق سعی در تغییر نام محل‌های موجود در دریاچه ارومیه را آغاز نموده‌اند. هر دو این اعمال شوونیستی و امپریالیستی برای به بحران کشیدن روحیه مردم و امتیازگیری از جمهوری اسلامی ایران است.

(لازم به ذکر است که این نامه بلافاصله توسط آموزش و پرورش استان تکذیب شد، لاکن سند آن توسط برخی سایت‌های اینترنتی منتشر گردید. آموزش و پرورش پس از افشای این سند در این مورد سکوت اختیار کرده است.)

تقویم تقسیم آذربایجان (در ایران)

به آذربایجان مرکزی و تاسیس استان آذربایجان شرقی به مرکزیت اردبیل» در شور اول به تصویب می رسد و بحث در خصوص تعیین نام دقیق استان به شور دوم مجلس در خصوص این لایحه موکول می گردد. بعبارتی دیگر اصل تاسیس یک استان جدید به مرکزیت اردبیل مورد توافق قرار گرفته بحث انتخاب نام که در واقع مهمترین بخش این لایحه را تشکیل می دهد به شور دوم مجلس واگذار می شود.

۷- در جلسه مورخ ۷۲/۱/۱۵ لایحه تاسیس استان سبلان با تغییراتی که در عنوان و متن داده میشود بنام لایحه «تغییر نام استان آذربایجان شرقی به مرکزیت تبریز به آذربایجان مرکزی و تاسیس استان آذربایجان شرقی به مرکزیت اردبیل» در دستور کار مجلس چهارم قرار می گیرد.

۸- بصورت غیر منتظره ای در جلسه نود و هشتم روز یکشنبه ۲۲ فروردین ماه سال ۱۳۷۲ نمایندگان مجلس شورای اسلامی در شور دوم خود، تاسیس استان جدید را با نام استان اردبیل تصویب می کنند!

۹- در ۲۴ فروردین ماه سال ۱۳۷۲ یعنی دو روز بعد از تصویب لایحه تاسیس استان اردبیل ناگهان مجلس ترحیمی که در مسجد دانشگاه تهران به یاد شهدای قره باغ و با شرکت صد ها تن از دانشگاهیان برگزار شده بود تبدیل به تظاهرات پر شور قریب به ده هزار تن از آذربایجانیهای تهران و تجمع اعتراض آمیز آنها در برابر سفارت ارمنستان گردید. در این تظاهرات که در خیابان انقلاب و در واقع در قلب تهران و بدون اخذ مجوز برگزار شد ضمن اعلام نفرت از جنایات ارمنستان، شعارهای هویت طلبانه بسیاری سر داده شد. همچنین تظاهرات کنندگان خواستار بازگشت نام ابدی آذربایجان بر استان اردبیل و همه اراضی تفریق شده از آن شدند.

۱۰- روز دوشنبه، ۳۰ فروردین ماه سال ۱۳۷۲، روزنامه اطلاعات در صفحه سوم خود در دو خط کوتاه نوشت: تهران: خبرگزاری جمهوری اسلامی - در نشست دیروز شورای نگهبان، لایحه تاسیس استان اردبیل مطرح شد و مغایر موازین شرع و قانون شناخته نشد.

به این ترتیب همه موانع قانونی متصور در امتداد پروسه حذف نام آذربایجان از استان جدید التاسیس با سرعت غیر معمولی طی شد و نام اردبیل اگرچه خود یکی از زیباترین و پرمحتواترین و تاریخی ترین نامهای آذربایجان است جهت حذف نام ابدی آذربایجان، مورد سوء استفاده قرار گرفت.

۱۱- در تابستان سال ۱۳۷۳ در دانشگاه تبریز طومار مطولی به امضای دانشجویان میرسد که یکی از بندهای آن بازگشت نام آذربایجان به اردبیل و دیگر شهرهای آذربایجانی تفریق شده از آذربایجان است. گفته می شود این طومار قریب به ۱۰،۰۰۰ امضا داشته است.

۱۲- همزمان با ۲۲ فروردین ماه سال ۱۳۸۳ کمیته ای بانام «کمیته اعاده نام ابدی آذربایجان بر استان اردبیل» (کمیته اعاده نام) و یا «اردبیل اوستانینا آذربایجان ابدی آدینین قایتاریش کمیته سی» (قایتاریش کمیته سی) با انتشار بیانیه ای اعلام موجودیت می کند. این کمیته تا امروز بیانیه های مختلفی را در خصوص ضرورت بازگشت نام آذربایجان به اردبیل و دیگر استانهای آذربایجانی نشین صادر کرده است.

۱- در تاریخ ۱۳۱۶/۸/۱۶ به موجب قانون مجلس پهلوی اول، تقسیمات کشوری دوران ممالک محروسه قاجار و همچنین اسامی تاریخی ایالات حذف و در اقدامی سفیهانه کشور ایران به شش استان شمال غرب، غرب، شمال، جنوب، مکران و شمال شرق تقسیم می شود.

۲- کوتاه مدتی بعد در آذرماه همان سال با تجدید نظر در تقسیمات سابق، کشور ایران به ده استان تقسیم شده و بصورت مضحکی بر اساس شماره هایی از یک تا ده نام گذاری می شود. تبریز مرکز استان سوم و ارومیه مرکز استان چهارم شده حدود آذربایجان و نام آذربایجان بطور کامل از نقشه کشور حذف می شود. در این تقسیم بندی اردبیل جز استان سوم است.

۳- این تقسیم بندیهای خائنه و نامگذاریهای ابلهانه بغیر از دوران پرافتخار فرقه دموکرات آذربایجان تا سال ۱۳۳۹ ادامه می یابد. در این سال استانهای سوم و چهارم با نامهای آذربایجان شرقی و غربی ایجاد می گردد. در کل کشور ایران به ۱۳ استان و ۸ فرمانداری کل (بعدا ۱۱ فرمانداری کل) تقسیم می شود. در تقسیمات جدید اگرچه برخی از شهرهای آذربایجان به استانهای مجاور داده می شود و متاسفانه همدان بعنوان فرمانداری کل شناخته میشود اما خوشبختانه استانهای آذربایجان شرقی و غربی از تیغ پان آریانیسم پهلوی تاحدی در امان می مانند. در این تقسیم بندی استانهای اردبیل و زنجان جز استان آذربایجان شرقی هستند. در این میان آستارا که قبلا بخشی از شهرستان اردبیل بود خود در سال ۱۳۳۷ به یک شهرستان تبدیل شد.

۴- طی دهه های گذشته یکی از مهمترین خواسته های مردم اردبیل و محال اطراف آن تاسیس یک استان جدید با مرکزیت اردبیل بود. در واقع اردبیلیها بر این امر اصرار داشتند که با توجه به تاریخ درخشان چندین هزار ساله شهر، اردبیل برای استان شدن کاملاً لیاقت دارد و محق است تا تحت نام «آذربایجان شرقی» بودجه مخصوص بخود را داشته باشد. لازم به ذکر است که موضوع استان شدن شهرستان اردبیل مطلقاً به معنای تلاش برای جدا شدن از شهرستان تبریز نبود چرا که اساساً شهر قوجامان تبریز نه فقط برای اردبیلیها بلکه برای همه آذربایجانیهای جهان از دیرباز بعنوان سمبل مطرح بوده است.

۵- در تاریخ ۲۲ مهرماه سال ۱۳۷۱ از دوستان پیشنهاد شده آذربایجان شرقی به مرکزیت اردبیل و گلستان به مرکزیت گرگان از سوی وزارت کشور، تاسیس استان جدیدی به مرکزیت اردبیل مورد موافقت هیات دولت قرار گرفته، لایحه ای با نام تاسیس استان سبلان به مجلس چهارم شورای اسلامی فرستاده شد. لایحه تاسیس استان سبلان به شماره ترتیب چاپ ۳۱۶ از طرف هیات دولت وقت به کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس چهارم ارجاع می گردد.

۶- کلیات این لایحه در ۷۱/۱۰/۲۲ مورد تصویب نمایندگان مجلس چهارم شورای اسلامی قرار می گیرد. با تصویب این لایحه به دولت اجازه داده می شود تا استان جدید آذربایجان شرقی به مرکزیت اردبیل و استان تغییر نام یافته آذربایجان مرکزی به مرکزیت تبریز را تاسیس کند. به این صورت به رغم شدیدترین مخالفتها با بقای نام آذربایجان بر استان اردبیل، کلیات لایحه «تغییر نام استان آذربایجان شرقی به مرکزیت تبریز

جدول ذیل دربردارنده اسامی جزائر دریاچه اورمیه است که از طرف آموزش و پرورش به مدارس متوسطه استان آذربایجان غربی ابلاغ شده است:
(پیوست سند مندرج در صفحه ۴ این شماره از نشریه)

نام جزیره	نام قدیم جزیره	مساحت بر حسب هکتار	نام جزیره	نام قدیم جزیره	مساحت بر حسب هکتار	نام جزیره	نام قدیم جزیره	مساحت بر حسب هکتار
فلامینگو	-----	۲,۷۵	گلگون	قاناچا	۰,۲۵	تفجک	-----	۰,۵۰
کاکائی بالا	گولایان داشی	۰,۳۸	گیوه	-----	۰,۲۵	پنجه	-----	۱,۵۰
کاکائی پایین	گولایان داشی	۱,۲۵	ماغ	-----	۰,۲۵	توس	-----	۸,۲۵
کاکائی میانه	-----	۱,۰۰	مرکید	مرکید	۹,۵۰	تیر	دوقوزلار	۰,۵۰
کام	-----	۰,۲۵	مشکین	کمر داغ	۴,۲۵	جودره	آرپادره سی	۳۵,۲۵
کامه	-----	۱,۷۵	مهدیس	-----	۱,۷۵	جوزار	آرپادره سی	۱,۰۰
کبودان	قویونلار	۳۲۲۵,۰۰	مهر	شاه سرانلر	۷۰,۲۵	جوبین	آرپادره سی	۵,۵۰
کرکس	-----	۱,۰۰	مهور	-----	۲,۰۰	چاک تپه	چات تپه	۴,۷۵
کنجه نوک	دوقوزلار	۱,۷۵	میانه	اوهون	۱,۵۰	چشمه کنار	-----	۱,۵۰
گلستنگ	کچل داش	۰,۲۵	میدان	ایشیق مئیدانلار	۱,۷۵	حواصلیل	-----	۰,۲۵
کمان	دوقوزلر	۳,۲۵	ناخدا	گمیچی	۱۳,۵۰	خرسک	خرسک	۱۸,۲۵
کنارک	دوقوزلر	۴,۰۰	نادید	-----	۰,۱۵	دی	-----	۱,۷۵
کوچک تپه	(گمیچی) بالا تپه	۳۸,۲۵	ناویان	گمیچی	۱,۰۰	زاغ	کمر داغ	۰,۲۵
گرده	-----	۰,۶۲	ناوی	گمیچی	۱,۰۰	زر تپه	ساری تپه	۴۵,۷۵
گنز	عموجان لر	۰,۲۵	ناهد	دنه لی	۵۱,۰۰	زر کمان	قرل کنگور	۹,۵۰
گریوک	-----	۱,۰۰	نهان	-----	۰,۲	زر گنگ	قرل کنگور	۱۸,۰۰
گریوه	گلوک تپه	۷,۷۵	نهفت	-----	۰,۱۵	زلهابه	ابوالقاسم داشی	۰,۲۵
سامانی	سامانی	۸,۰۰	آتش	یانیخلی	۱,۵۰	بردک	-----	۰,۳۰
سپید	آق داغ	۸,۲۵	آذر	چایرلی	۱۰۹,۰۰	بردین	داش آدا	۱۶,۵۰
سرخ	گاناجابا	۰,۳۸	آذین	-----	۰,۵۰	برز	علی میرزا	۲۳,۰۰
سروش	دوقوزلر	۰,۵۰	آرام	-----	۱,۷۵	برزو	علی میرزا	۲,۰۰
سنگان	-----	۰,۱۰	آرزو	آرزی	۵۱۵,۰۰	برزین	-----	۶,۲۵
سنگو	سونگو	۰,۲۵	آرش	-----	۱۴,۵۰	بزرگ تپه	گمیچی تپه بؤیوک	۵۰,۲۵
مهران	گاناجابا	۰,۲۵	آنقوت	-----	۱۲,۵۰	بستور	احمد داشی	۲,۲۵
سیاوش	قره آدا	۰,۴۰	اردشیر	اردشه	۹,۰۰	بن اشک	-----	۱,۰۰
سیاه تپه	-----	۴,۷۵	اسپیر	اسپیر	۱۲۷۵,۰۰	بن	دوقوزلر	۲,۵۰
سیاه سنگ	یاساستی یا قلی قره	۵۶,۷۵	اسپیرک	-----	۱,۰۰	بهرام	آق مسته	۲,۷۵
اسلامی	شاهی	۲۵۰۲۵,۰۰	اسپیرو	-----	۰,۶۰	پلیکان	-----	۴,۰۰
شاهین	سایین قالا	۱۲,۵۰	اشک	اشک داغی	۲۶۰۰,۰۰	پناه	-----	۰,۷۵
شبدیز	کمر داغ	۰,۲۰	اشک سر	-----	۵,۲۵	پنهان	-----	۰,۲۰
شمشیران	قلینج یا قلی قره	۱۹,۲۵	اشکو	-----	۱,۵۰	پیشوا	ملا یورکی	۰,۷۵
شور تپه	شور تپه	۸,۷۵	امید	-----	۵,۰۰	تختان	یاستی داشی	۴,۷۵
شوش تپه	شوش تپه	۶,۵	ایرانژاد	-----	۶,۰۰	تخت	یاستی آدا	۴۷,۲۵
صدف خوار	-----	۲,۵	برد	-----	۰,۱۰	تک	دوقوزلر	۲,۱۵

با ثبت اسامی اصیل منطقه زندگی خود، از ادامه یک سرقت عظیم هویتی و فرهنگی جلوگیری کنید!

رودخانه، دریاچه و چشمه:

تور كچه آد	فارسجا آد	تور كچه آد	فارسجا آد	تور كچه آد	فارسجا آد
آراز	ارس	قره سو	سیاه رود	قره گؤل	سیاه گل
قارا گؤل (مهباد)	سیاه گؤل	قبیله بولاغ	قبیله چشمه	یوخاری آلتون	زربنه رود بالا
قارا گؤل	سیاه استخر	آشاغی آلتون	زربنه رود پایین	آجی چای	تلخه رود
قیزیل اووزن	سفید رود	میدان چای	مهران رود	صوفو(سویوق)چای	صوفی رود
جیغاتی چای	زربنه رود	تاتانو چای	سیمینه رود	خزر	مازندران
ایستی سو	آبگرم	مین گؤل	هزار برکه	قبیله بولاغ	قبیله چشمه

جنگل، دشت، کوه و قلعه:

تور كچه آد	فارسجا آد	تور كچه آد	فارسجا آد	تور كچه آد	فارسجا آد
آق قالا	سفید قلعه	ساوالان	سبلان	گوشیان	نقره تپه
قاراوول داغی	شیر کوه	قارا قایا	سیاه پایه	قافلاتتی	قافلانکوه
آق تپه	سفید تپه	قاراجاداغ	ارسباران	چیلله خانا	چلیکان
گنجی قیران	بزکش	میشو	میشاب	ائینالی	عون بن علی

شهر، روستا، محله و بندر:

تور كچه آد	فارسجا آد	تور كچه آد	فارسجا آد	تور كچه آد	فارسجا آد	تور كچه آد	فارسجا آد
ساووج بلاغ	مهباد	دوشان تپه	زاله ده	حسن اووا عاشیق	حسن آباد کوشک	خوجا	خواجه
سایین قالا	شاهین دژ	قوش محله	شاهین ده	اویول	الا	قول قاسیم	گل قاسم
میانا	میانه	آغ ائولر	سیمین ده	ایچی	ایشه	عربلر	پلدشت
قارا عین	سیه چشمه	سویاتان	تازه ده	باشماق	باشه	شارایخانا	شرفخانه
خیاو	مشگین شهر	آق مسجد	نقره ده	بانگلی	بنگی	موتاللیق	متعلق
اوجان	بستان آباد	تورکان	فرازنه آباد	آباقچی	پادار	یئنگیجه	نیکجه
باغیش	بخشایش	زئینال آغاج	سردری	ئیکانلی	تیکان	کوجووار	کجاآباد
کره سی	سبز ده	باش بولاغ	سرچشمه	سلیمان کندی	سلیمان کند	داش آتان	دانش آباد
توفارقان	آذر شهر	مهر اوان	مهر آباد	چاخیرلی	چاگر	کره دره	گرم دره
جیرانلی	جاریحانی	آل عاشیق	علی شیخ	قوتامچی	سبز ده	سؤکمن آوا	صفائیه
سوماقلی	سوماق ده	قاراقان	سیاه دشت	قارابوغدا	سیاه گندم	قوناق قیران	مهمان دوست
قاپچان	کامیار	قوجوق	کوچک	ماماق	مامک	خاروانا	خروانتق
قالاجیغا	کلاچک	قاشیق	کوشک	قامشیلی	شبیستان	سندآوار	سعید آباد
قاراناو	سیاه ناو	قالبان	گل خیزان	یورغول	یارگل	گرگر	هادی شهر
عرب اوغلو	فرخزاد	قوزلو	گلزله	سویونبد	سه گنبد	سوماقلی	سماق ده
قارا چمن	سیاه چمن	گلین	گلشن	الله وردی کورپسو	سی وسه پل	قره گؤل	گچساران
قاپلاتتی	کوپلان	طاهیر بوغدا	گندمان	گوی مسجد	مسجد کبود	هلاکو	هرزند
قارا آغاج	قدس	گوی تپه	تپه گوی	باخچاجیق	سردار آباد	باش بولاغ	سرچشمه
گوجووار	کجا آباد	دره گز	محمد آباد	قارا خاچ	علی آباد	قورو چای	شاه آباد
سام بودان	سنگ پیران	بجنورد	بیژن گرد	قارا کلیسه	امان آباد	آلما دئه	امینه ده
گوموش تپه	دمشقیه	قالاجیک	عزیز آباد	ساری قه یه	سارقیه	امیره قیز	امیرخیز
زنیوه	زیویه	پثره	فیوروق	آخما قه یه	احمقیه	کوردنشین	کرد نشین
دیزه	دیزج	کورابازلی	کور عباسلو	هشتری(سرایسکند)	هشترود	آل ایشیق	علی شیخ
اسکی شهر	اسک شهر	تیکان تپه	تکاب	ملیک کندی	ملکان	گوموش تپه	گومیشان
بندداوار	بدل آباد	سئیوان	سگبان	باش سوما	صومعه علیا	خویاما	خویمن جدید
خانا	پیرانشهر	پینه شالوار	شادباد	گون دوغان	کندوان	پندیار	پیر یادگار

خبر لر

روزنامه همشهری

اقدام سوال برانگیز آموزش و پرورش ارومیه

اسامی ترکی جزایر دریاچه ارومیه به فارسی تغییر کرد. سازمان آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی با صدور بخشنامه ای به مدارس، اسامی ترکی جزایر دریاچه ارومیه را به نامهای فارسی تغییر داد.

در چند روز گذشته سازمان آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی با صدور بخشنامه ای از مدیران و دبیران مدارس خواست تا از این پس از اسامی جدید به جای نامهای قدیم ترکی جزایر استفاده کنند. به طور مثال جزیره «گمی چی» به ناوبان، جزیره «آق داغ» به سپید کوه، «قره آدا» به سیاوش، جزیره «سایین قال» به شاهین و «کمر داغ» به شبدیز تغییر نام یافته است. تعداد ۶۰ جزیره از ۱۰۲ جزیره این دریاچه دارای نامهای ترکی هستند. این گزارش حاکی است این اقدام سوال برانگیز سازمان آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی واکنش شدید روزنامه نگاران و فعالین فرهنگی و اجتماعی و تشکل های غیر دولتی استان را برانگیخته است. این در حالی است که تاکنون هیچ یک از مسئولان آموزش و پرورش استان در این خصوص توضیحی نداده اند.

بیانیه کانون نشریات دانشجویی آذربایجان در مورد تغییر اسامی جزائر دریاچه ارومیه

در این بیانیه، کانون نشریات دانشجویی آذربایجان با ارائه تاریخچه ای از اقدامات شوینستی که در ۸۴ سال اخیر با هدف امحا هویت تاریخی و فرهنگ دیرپای آذربایجان صورت گرفته و می گیرد، اقدام مذبحانه آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی در تغییر اسامی اصیل جزائر دریاچه ارومیه را محکوم کرده و ملت آذربایجان را به هشیاری در برابر توطئه های مشکوک اخیر دعوت نمود و خواستار معرفی عوامل پشت پرده این اقدام موهن گردید.

بیلدیریش

تبریزین فنی بیلیم یوردونون (آموزشکده فنی) اؤیرنجیلری ۳ ایل سوره سینده منظم و دوزنلی اولاراق، مسؤل لارین چئشید لی مخالفت لرینه رغمن، تورک دیل و ادبیات کیلاسلا رینی سونسوز امک و باشاری ایله آپاریرلار. چاغ : چرشنه گونلری ساعات ۱۱-۱۳.

کنوانسیون چهارچوب برای حفظ اقلیتهای ائتیک

ماده ۱۱ - (حق استفاده از نامها در زبانهای اقلیت).

۱- دولتهای طرف کنوانسیون شناسایی حق افراد منسوب به یک اقلیت ملی را در استفاده از نام و نامهای خانوادگی خویش در زبان اقلیت و حق درخواست ایشان برای شناخته شدن این نامگذاری را طبق ترتیبات موجود در سیستم حقوقی خود متعهد می شوند.

۲- در مناطقی که بطور سنتی تعداد کثیری از افراد منسوب به یک اقلیت ملی زندگی میکنند، دولتهای طرف قرارداد- در چهارچوب سیستمهای حقوقی خویش و در صورت لزوم با عقد قراردادهایی با دولتهای دیگر و با در نظر گرفتن شرایط ویژه- در کاربرد اسامی محلی مرسوم، نام خیابان و نام مکانهای جغرافیایی دیگر به زبانهای ملی، در صورت وجود در خواست کافی برای به زبان اقلیت بودن این اسامی کوشش مینمایند.

نتیجه گیری

۱- در دوران دیکتاتوری پهلوی بخش بزرگی از نامهای جغرافیایی تاریخی غیرفارسی کشور به عنوان بیگانه با اسامی فارسی تعویض شده اند. در حالیکه این نامها که سمبل غنا، تنوع، همزیستی و بردباری فرهنگی گروههای ملی کشورند، در طول تاریخ کوچکترین مشکلی مابین ملل ساکن در ایران ایجاد نموده بودند. اجرای این سیاست نه تنها مشکلی از مشکلات بی شمار و مزمن کشور را حل نموده است بلکه در بستر سیاست آسیمیلیسیون گروههای ملی غیرفارسی، مسئله ای نو، پیچیده و جدی بر مسائل متراکم ایران افزوده است.

۲- در میان نامهای تغییر داده شده هرچند که نامهای عربی، بلوچی، کردی و به مقدار کمی ارمنی یافت میشوند، اکثریت را نامهای تورکی یعنی زبان اکثریت نسبی مردم تشکیل میدهد.

۳- در اجرای سیاست فوق با آنکه دایره فعالیت کمیسیون جغرافیا تمام سطح کشور را فرا گرفته است، با اینهمه توجه عمده این نهاد به غرب و شمال کشور که تماما محل سکونت خلیقهای غیرفارسی و در راس آنها تورکها میباشد بوده است. علاوه بر این میبایست ذکر شود که ملل ساکن در این مناطق مانند، آذربایجانیها، کردها، عربها و تورکمنها توسط مرزهای کشور به دو نیم شده و دارای همزبانان و همتباران در آن سوی مرزها میباشند.

۴- اکثریت مطلق جمعیت کشور که به زبانهای غیرفارسی تکلم مینمایند، از انتخاب اسامی به زبانهای ملی و مادری خویش برای اشخاص حقیقی و حقوقی و نیز اماکن و غیره محروم گردیده اند. با تاسیس جمهوری اسلامی سیاست فارس سازی اسامی کمابیش پیگیری شده و در برخی موارد ابعاد آن گسترش یافته است.

۵- با اینهمه پدیده ای که در الگوی ایران به دفعات مشاهده شده است، عبارت از این است که با وزیدن کوچکترین نسیم دموکراسی و با پدیدار گشتن نخستین جو آزاد سیاسی در کشور، مردم در اولین فرصت نامهای جعلی بیگانه با فرهنگ و زبان خویش را که به زور دولت و غالب اوقات به نیت خوار شمردن و نابودی ملی و مدنیشان انتخاب و تصویب شده اند ترک کرده و دوباره به نامهای پیشین، به زبان و فرهنگ ملی خود بازگشته اند. حتی نمونه هایی مانند کاربرد نام «قوشاچای» به جای «میاندوآب» از سوی مردم نشان میدهد که دامنه در حال گسترش بازگشت به هویت و فرهنگ ملی میان گروههای ائتیک کشور دیگر منحصر و محدود به رد و تغییر نامهای رسمی ساختگی نیز نخواهد بود.

طبق قوانین کنوانسیون اروپا، کشورها موظفند در صورت وجود تقاضا، برای نامگذاری مناطق، خیابانها و مکانهای جغرافیایی دیگر، از زبان محلی استفاده کنند.

(اؤزلوک واژه ای تورکی به معنای هویت است)

اؤزلوک

نشریه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی دانشجویان دانشگاه تبریز
مدیرمسئول: مهرداد کریمی

همکاران این شماره: بابک درزی، ناصرعلیزاده، یعقوب عابدی، حسین ستار، آیدین آراز، مهدی اسکندرزاده، سجاد رادمهر، وحید انگوتی، مهدی سلیمی، آیدین مهربان

E-mail:
ozluk_guney@yahoo.com